سواد مکتوبیست که بجناب ملّا حسین ﻻری مرقوم شده

هوالأبهی

یا الهی الحنون ترانی من ملکوت تقدیسک و جبروت توحیدک بین یدی عصبة ذئاب کاسرة و ثلّة سباع مفترسة الّذین نکصوا علی اعقابهم و کسروا میثاقهم و نقضوا عهدک و جاحدوا بآیاتک و استکبروا علی مرکز میثاقک و تکبّروا علیک و ولّوا وجوههم عن جمالک و زعموا بأنّک اخطأت فی امرک بما دللت الکلّ الی مرجع بیان آیاتک و دعوت الکلّ الی التّوجّه الی مطلع فیضک و مشرق مواهبک ای ربّ قطّعوا قلبی ارباً ارباً و حرقوا فؤادی بنار تلتهب فی الأحشآء و قاموا علی الافترآء و ما رحموا تدفّق سیل دموعی بالبکآء و ما اکتفوا بما ورد علی احشائی سهام البغضآء من الأعدآء ای ربّ ضاقت علیّ الأرض برحبها و اشتدّت علیّ الأزمة بأسرها فلم یبق لی من موطن امن یکون لی الکهف الأوقی فارفعنی الیک یا ربّی الأبهی و ادخلنی فی جوار رحمتک الکبری انّک انت ارحم الرّاحمین ع ع

فیا طوبی لنفس تزکّت و علمت فجورها و تقواها طوبی لروح اهتزّت من نفس الرّحمن طوبی لمشامّ تعطّر من نفحات اللّه طوبی لقلب انشرح من نسمات اللّه طوبی لعین نظرت الی جمال اللّه طوبی لسمع اصغی الی کلمات اللّه طوبی لهیکل قام علی خدمة امر اللّه طوبی لأحشآء احترقت بنار محبّة اللّه طوبی لکبد ذابت بلظی الهیام فی سبیل اللّه طوبی لنفس وفت بمیثاق اللّه و لم ‌تأخذه لومة لائم فی امر اللّه و لا اثّرت فیها سهام الشّبهات من النّفوس المؤتفکة و الأرواح المحتجبة و العقول السّقیمة الغافلة عن ذکر اللّه طوبی لنفس ظاهرها عین باطنها و باطنها عین ظاهرها و هداها ربّها و خرق حجباتها و اکرم مثواها و سقاها ربّها کأساً مزاجها کافورا لعمر اللّه انّها یضیء وجهها فی الملکوت الأبهی بنور اشرقت منه الأرض و السّمآء و ثبتت اقدامها علی هذا الصّراط الممدود فی قطب الابداع

ع ع

سلیل آنجناب را نظر عنایت شامل بود و خیر کلّی در حقّشان مقدّر ولی حائل عظیم پیدا شد و حاجز شدید نمودار و اللّه یتولّی السّرائر آن جناب الحمد للّه در یوم ظهور بشرف لقا فائز و بشرف اصغاء خطاب نائل عاقبت قدر این درّ گرانبها میثاق الهی را خواهید دانست چه که این گوهر یگانه در آغوش صدف ملکوت ابهی پرورش یافته و در سلک قلم اعلی درآمده و از اوّل ابداع نظیر و مثیل نداشته ولی اطفالی چند گرد هم آمده و بسودائی افتاده که یوسف میثاق را در چاه نسیان اندازند و خود شهرهٴ شهر و بازار گردند و این درّ ثمین را بدراهم معدوده فروشند و در ترویج خزف بکوشند و غافل از اینکه عزیز مصر الهی برغم هر حسود عنود ز قعر چاه برآید بعنایت جمال ابهی باوج ماه رسد عنقریب ملاحظه خواهید فرمود که بتأیید ملکوت ابهی علم میثاق در قطب آفاق بموج آید و شمع پیمان در زجاج امکان چنان ساطع شود که ظلمات نقض بکلّی زائل گردد و فریاد تاللّه لقد آثره اللّه علی الوری استماع شود قدری در وقایع ماضیه تأمّل و تدبّر شود حقیقت حال واضح و مبرهن گردد بگو ای شیخ این میثاق نیّر آفاقست و این پیمان حضرت یزدان نه ملعبهٴ صبیان بگو فسوف ترون انفسکم فی خسران مبین و زیان حاصل و واضح و عنقریب خسران بنیان بکلّی براندازد بگو ضرر اوّل انشآءاللّه سبب انتباه گردد و سبب این ضرر چه و علّت زیان چه باری آنجناب ببصر حدید جدید ملاحظه نمائید تا بحقیقت مقاصد اهل تدبیر و تدمیر پی‌برید و یقولون بألسنتهم ما لیس فی قلوبهم را ملاحظه فرمائید در فرقان در حقّ چه گروهیست و اذا رأوا الّذین آمنوا قالوا آمنّا و اذا خلوا الی شیاطینهم قالوا انّما نحن مستهزئون را برای ایشان تفسیر بفرمائید و اللّه یستهزئ بهم و یمدّهم فی طغیانهم یعمهون را توضیح کنید به یحیائی سابق و یموتی لاحق بگوئید سامری و عجل را بنی‌اسرائیل بجهت خویش مثل ناقضین تراشیدند نه حضرت یوشع ابن نون منصوص الهی تو خطا کردی و سهو فرمودی که مرکز منصوص را باین درجه توهین نمودی و تحقیر کردی اگر جمال قدم ترا خطاب فرماید که مرکز میثاق مرا و فرع منشعب از اصل قدیم مرا و منصوص کتاب مبین مرا و مبیّن کتاب را چگونه عجل خواندی ای یحیی حیائی چه جواب خواهی داد اعانت ننمودی اهانت چرا مرهم نبودی زخم چرا آیا کتاب اقدس سی سال پیش نازل نشد آیا کل را دعوت باطاعت فرع منشعب ننمودم و جمیعرا دلالت بر انقیاد نکردم و مبیّن کتاب مبین نگفتم و اکثر از احباب را بیدار ننمودم و او را نزد کل مستثنا از مادون نکردم و باثر قلم اعلی عهد و میثاق او را نگرفتم و جمیع اغصان و افنان و منتسبین را بتوجّه و ناظر بودن باو بصریح عبارت امر نکردم دیگر چه کنم چگونه امر را محکم نمایم ای یحیی حیائی چگونه این نور مبین را انکار نمودی و این منصوص عظیم را چنین بهتان شدید روا داشتی چه اذیّتی از او دیدی که چنین ذلّتی برای او خواستی و چه مشقّتی از او یافتی که چنین بغضاء عظیم آشکار کردی آیا چه جواب خواهی گفت باری تا زود است پشیمانی پیش گیر و توبه و انابه کن و سربرهنه در کوه و صحرا فریاد لامساس برآور و چون جیحون اشک و خون از چشم روان کن و با حنین و ندم همدم گرد شاید نسیم غفران بوزد و کثافت عصیان زائل گردد و بحر رحمت بجوش آید و سحاب عفو ببارد و این اوساخ نقض زائل گردد والّا منتظر نقمت الهیّه باش و مترصّد روسیاهی دارین لعمر اللّه انّ الذّلّة ستهرب منک لکثرتها و انّ الخسران یلتجی الی الرّحمن منک و تری نفسک فی اسفل درکات الجحیم و الذّلّة و الحسرة و الخذلان للّذین نقضوا میثاق اللّه العلیّ العظیم ع ع

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۱۹ دسامبر ۲۰۲۳، ساعت ۱۰:۰۰ قبل از ظهر